

۹۲۰۴

۴۱-۸۱
۱۲۴۵
۷۲۸

بنیاد فرهنگ ایران
کتابخانه

پیام نوین

شماره ۳ (۸۷ مسلسل)

امرداد ۱۳۴۵

دوره هشتم

سوریكوف - نقاش بزرگ روس

امسال از درگذشت واسیلی سوریكوف نقاش و متفکر بلند قریحه پنجاه سال میگذرد .

سوریكوف بسال ۱۸۴۸ در شهر کراسنویارسک به دنیا آمد . پدرش کارمند دادگاه شهرستان بود . اجدادش از ناحیه دون برخاسته باتفاق همدستان یرماک (۱) به سیبری آمده بودند .

در خانواده سوریكوف دلستگی به روایات و سنن قدیم باعلاقه عمیق به زندگی سیاسی و فرهنگی زمان توام میگردد . سوریكوف ها به هنر نیز علاقه بسیار داشتند .

بینش بس وسیع سوریكوف ها و گرایش نیرومندان خانواده قزاق به فرهنگ در نتیجه تاثیر افراد ترقیخواهی بود که در آن زمان از نواحی مرکزی روسیه به آن منطقه می آمدند .

پدر و مادرش او را طبق رسوم قزاقی باسادگی توام باسختگیری پرورش دادند . در هفت سالگی او سوارکاری را بخوبی آموخته بود و به شکار میرفت .

۱- یرماک سرکرده قزاق ها که در قرن شانزدهم سیبری را برای روسیه گشودند .

سوریکوف زود یتیم شد . پس از مرگ پدر ، حقوق بازنشستگی
مختصری برای مادرش تعیین گردید که با آن نمیشد زندگی کرد . مادر
و خواهر سوریکوف ناچار به قبول سفارش کار های دست دوزی در خانه
شدند . زندگی شان فقیرانه بود .

سوریکوف از همان کودکی آغاز نقاشی کرد . پسرک خیلی زود به
آزش هنر تصویری پی برد .

هفت ساله بود که به کشیدن صورت ها پرداخت . در دبستان
هم که بود ، آنچه را که در اطراف خود میدید در دفترش می کشید . از
همان سالهای کودکی جلوه های رنگین و خوش نقش جهان خیره اش
میکرد . علاقه بی پایان و شدید به زندگی پیرامون خود و کنجکاو و
نظاره پر ولع از خصایص سوریکوف در کودکی و نوجوانی بود . چنانکه
خود او گفته است ، حتی در لحظات وحشتناکی که «زمین زیر پایش بند
نمیشد» با دقت در چهره زندگی مینگریست و به مشاهده ادامه میداد .

گذشته از عادت به نظاره دقیق ، استعداد شگرف سوریکوف جوان
برای دیدن کیفیات خاص و مهم در چیز های بسیار عادی و فرورفتن در
ماهیت شاعرانه هر چیز ، توجه همه کسانی را که به بررسی خلاقیت
طبع وی میپرداختند به خود جلب میکرد .

سوریکوف ، با نظاره حال ، در اندیشه خود آن را با گذشته ربط
میداد . واقعیت محیط گویی در برایش به شکل دورنمای تاریخی متجلی
میشد .

تأثر پذیری از خود زندگی و طبیعت ، خط مشی سوریکوف را از
نخستین تصاویر دوران مدرسه تا برده های بزرگ نقاشی او تعیین کرد .
استاد نقاشی او ، ن . و . گرگنیف ، که مردی ترقیخواه و مراقب
پیشرفتهای هنر ره آلیستی نقاشی روسیه بود و شیوه ها و راه های تازه
وصول به واقعیت را خود از آ . ایوانوف و بریولوف و فدوتوف و
آبازونسکی میآموخت ، به نقاش جوان تعلیم میداد که طبیعت را ارج
بشناسد و جهان پیرامون خود را با دقت بررسی کند .

خانواده سوریکوف در فقر و فاقه بسر میبردند . مادرش به آشنایان
و همکاران سابق پدر روی آورد و با کمک آن ها توانست پسرش را
بعنوان کارمند زیر دست دتری وارد استانداری ایالت ینسکی کند .
سوریکوف در ساعات فراغت نقاشی میکرد و چند کپی از روی پرده های
نقاشان ایتالیائی کشید . خبر هنرمندی نقاش به پتربورگ رسید .

در سال ۱۸۶۸ سوریکوف در دانشکده هنر های زیبای پتربورگ
پذیرفته شد . او با اسب عازم آنجا گردید . سفرش نزدیک به دو ماه طول
کشید . در فوریه سال ۱۸۶۹ در پتربورگ بود .

سوریکوف در دانشکده هنر های زیبا سرپرست دائمی نداشت ، به

هیچیک از استادان هم احساس اعتماد نمیکرد ، ازیترو از همان سالهای اول تحصیل میبایست تنها به خود متکی باشد . غریزه سالم و شم هنری تکامل یافته اش رهنمون وی بود . در کلاسهای طراحی و نقاشی ، او بر اثر استعداد عالی خویش ، بی درنگ موقعیتی نمایان و کاملا مستقل بدست آورد .

سوریکوف جوان در تحصیل پیوسته کامیاب بود و یکی پس از دیگری همه امتیازات و پاداشهای مقرر دانشکده را کسب کرد : مدال نقره ، مدال بزرگ نقره ، مدال کوچک و بزرگ طلا . در آن رشته از درس و آموزش هم که بویژه مورد علاقه اش بود سعی میکرد از برنامه مقرر پیشتر برود و بیشتر کار کند .

سوریکوف مانند همه هنرمندان بزرگ بزودی دریافت که علاوه بر تعلیم گرفتن از استادان میباید قبل از هر چیز از خود زندگی تعلیم بگیرد .

سوریکوف چشمانی تیزبین و دقیق داشت . نقاش جوان قادر بود که تیپ های خاص و موقعیت های خنده آور را با حدت بسیار انتخاب کند و تضاد های اجتماعی را با حساسیت نشان بدهد . نقاشی های هنرمند جوان از اصول آکادمیسم خیلی دور است و به سنت نگارگری ره آلیستی روسی گرایش دارد .

نخستین آزمایش های مستقل سوریکوف در باره موضوعهای تاریخی در آغاز دهه هفتم قرن نوزدهم صورت گرفت . در سال ۱۸۷۲ او به اتفاق ایواچوف نقاش دوازده تصویر زیر عنوان «کار های بزرگ پترکبیر در شمال» بوجود آورد .

در آن زمان او دیگر نقاشی پرورده و توانا بود و شیوه و سبکی خاص داشت . جهان بینی هنری او از اصول زیباپسندی رسمی دور و به هنر مترقی ره آلیستی نزدیک بود . در پرده های مربوط به کار های پترکبیر میتوان نطفه نقاشی تاریخی آینده سوریکوف را مشاهده کرد . برخی طرح ها و آپرنک ها آغازی است برای شیوه عادی هنر سوریکوف در آینده . همین سخن را در باره سومین رشته خلاقیات سوریکوف ، یعنی منظره سازی هم میتوان گفت .

در آن سالها سوریکوف پایه های همه فعالیت خلاقه بعدی خود را استوار نمود . لیکن او هیوز دارای آگاهی حرفه ای کافی در طرح و حل مسائل هنری نبود ، بزودی کار سوریکوف بکلی در مسیر دیگری وارد شد . ملاقات با پ . پ . چیستیاکوف که مربی طراز نوینی بود و با دیگر استادان هنر کرده که در واقع صاحبان مناصب دولتی در هنر بودند کمترین شباهتی نداشت در تغییر مسیر هنری سوریکوف نقش قاطعی ایفاء نمود . چیستیاکوف به محافل دموکراتیک تعلق داشت . او با تیزبینی حیرت انگیزی افسراد صاحب قریحه را تشخیص میداد و رشد و تکامل آن ها را رهبری میکرد

و شخصیت هر يك از شاگردان را بدقت پرورش میداد و غنای بخشید و راهی را که بیشتر با طبیعت و خصال و استعداد هر يك مطابقت داشت بروی آنها می گشود. بزرگترین نقاشان روس، مانند و. د. پاله نوف و آ. سه روف و دیگران از کارگاه چیتیاکوف بیرون آمده اند.

چیتیاکوف طلب میکرد که شاگردانش آثاری مبتنی بر اندیشه و دارای معنا و مفهوم بوجود آورند و به آنها تعلیم میداد که هم کمپوزسیون و هم طرح و هم رنگ آمیزی اثر خود را تابع اندیشه آرمانی نمایند. چیتیاکوف تاکید میکرد: «پرده ای که رنگهای آن یکباره به نظر بیننده بیاید و او را مجذوب سازد و باهماهنگی خود دیده اش را نوازش دهد. نقاشی جدی نیست. رنگها باید به بیان آرمان و منظور کمک کنند. پرده ای که بیننده میکوشد تا اندیشه آن، روح آن را دریابد و مفاد آن را بفهمد و رنگها در آن بیننده را از اندیشه و قضاوت منصرف نمیکند، چنین پرده ای بحد اعلی نقاشی جدی است.»

سوریکوف در آغاز سال ۱۸۷۸ ازدواج کرد و بازنش عازم مسکو گردید. در آنجا با ره پین نقاش بزرگ آشنا شد و این آشنائی به دوستی انجامید. همچنین او در مسکو بال. ن. تالستوی آشنا شد.

در مسکو سوریکوف خود را در وضعی بمراتب بهتر از پتر بورک احساس مینمود. در مسکو سراسر محیط پیرامن او با سنن تاریخی اشباع گردیده بود. محسوسات و تائرات وی در مسکو به او کمک کرد تا تصاویر تاریخی را جسم و جان تازه بخشند. هنگام گردش در پای دیوارهای کاخ کرمل زمینه کارهای تصویری آینده او بوجود میآمد. بزودی هم پرده «صبح اعدام تیراندازان پارکابی» را خلق کرد. در زندگی و آفرینش هنری سوریکف مرحله تازه ای فرا رسید که حاکی از رشد کامل قدرت خلاقیت وی بود. پرده «صبح اعدام تیراندازان پارکابی» در نخستین ردیف نقاشی های تاریخی با عظمت سوریکوف قرار دارد.

مفاد عمیق آرمانی «صبح اعدام تیراندازان پارکابی» موجب کمار شکل هنری و پرداخت این اثر شده است. سوریکوف میگفت که آرمان و منظور تصویر همزمان با شکل و قالب آن در ضمیر وی بوجود میآید و اندیشه از تصویر جدائی پذیر نیست.

از نخستین پرده نقاشی سوریکوف رشته ای تا اندیشه های قدیمی او کشیده میشود. «تیراندازان پارکابی» با پرده «منشیکوف در بر یوزوف» و «بانوماروزووا» مجموعه ای را تشکیل میدهند که در ماهیت به سلسله واحدی از مسائل اختصاص یافته است.

شرح زندگی منشیکوف، ارتقای او به مدارج بالا و سقوط رقت بار او، زمینه وسیعی برای تفکر فیلسوفانه در باره دوران سلطنت پتر کبیر بدست میداد. منشیکوف که در کودکی پیراژکن فروش دوره گرد بود، به مقام امارت و عنوان حضرت اقدس رسید. او در مقام دوست و

همکار پتر کبیر کارخانه‌ها و کشتی‌ها میساخت و در جنگها شرکت میکرد. پس از مرگ پتر، او علیرغم اراده آهنین و تجارب فراوانش در زمینه کشورداری و سیاسی، و باوجود هشیاری و سنجش دقیق وقایع، در مبارزه برای کسب قدرت شکست خورد و به کم جمعیت‌ترین و غم‌انگیزترین گوشه سیبری آن روزگار یعنی به آبادی دور افتاده بریوزوف تبعید شد. سوریکوف، بعنوان تماش و متفکر، در سقوط منشیکوف گذشته از فاجعه‌ای که برای شخص نامداری از طراز منشیکوف روی نموده بود، خاتمه عصر افکار و آرمان‌های پتر کبیر را هم مشاهده مینمود و دورانی را میدید که گروهی ماجراجویان بیگانه شروع به اداره روسیه کردند. منشیکوف را از کارهای بزرگ دولتی برکنار و از مردم دور کردند و به گوشه انزوا، به آن کلبه پست و کوتاه با پنجره‌های بخی بسته، افکندند. زندگی او سراسر به آن کلبه تنگ قفس مانند محدود شده بود و با آنکه تمام افراد خانواده اش گرد او بودند، باز نه تنها آزادی خود را از دست داده بود بلکه زندگی فاقده هرگونه هدف و مفهومی گشته بود.

در سال ۱۸۸۲ سوریکوف باتفاق خانواده خود از مسکو عازم سفری طولانی به کشور های خارجه شد و به برلن و درسد و کلن و پاریس و میلان و فلورانس و رم و ناپل و ونیز و وین رفت. در آن جاها نیز او باهمان قناعت و گوشه‌گیری که در مسکو زندگی میکرد بسر میرسد. رفاه و آسایش ظاهری و لذتهای زندگی همیشه برای سوریکوف در آخرین درجه اهمیت بود. او به قصد آشنائی با هنر نقاشی سفر کرده بود. سوریکوف بهنگام اقامت در رم و ناپل دوره کاملی از مناظر آبرنگ بوجود آورد که به منزله مرحله نوینی در گسترش استادی و مهارت سوریکوف بود. آبرنگ‌های او با روشنی بهار ایتالیا اشباع شده است. او که تاکنون پرده‌های نقاشی جدی و حاکمی از تاتر عمیق بوجود آورده بود، در مناظر آب رنگ خود تصاویری عرضه مینمود که سرشار از روشنی و نشاط و لذت زندگی بود.

پس از سفر باختر، سوریکوف بیدرنگ به ساختن پرده «بانو ماروزووا» که بسال ۱۸۸۱ آغاز کرده بود پرداخت. در تصویر «بانو ماروزووا» سوریکوف زن مبارزی را که پیش از آن در عالم هنر سابقه نداشته و خود زندگی آن را به نقاش تلقین نموده بوجود آورده است. در خصوصیات بانو ماروزووا بویژه آنچه که حاکمی از خصل و سجایای ملی زن روس است برای سوریکوف اهمیت داشته است.

پرده «بانو ماروزووا» که در سال ۱۸۸۷ در پانزدهمین نمایشگاه سیار نمایش گذاشته شد بعنوان واقعه عظیمی در عالم هنر روسی تلقی گردید و موفقیت بسیار بزرگی کسب کرد.

در سالهای هشتاد سده نوزدهم نام سوریکوف دیگر یکی از سرشناس ترین نامهای روسیه بود.

در ۱۸۹۵ سوریکوف پرده بزرگ «تسخیر سیبری بدست یرماک» را به پایان رسانید. نقاش در این پرده نبرد قاطع قوای یرماک را در سال ۱۵۸۱ بر ساحل رود ایرتیش، آنجا که بارود توپول تلافی میکند، مجسم کرده است. سوریکوف حق مطلب را ادا کرده، شهامت و انضباط قوای یرماک را آشکار نموده زیبایی خشن پیکرهای پهلوانی و چهره‌شان را نشان داده و در عین حال حقیقت تاریخی را از بینندگان پوشیده نداشته است.

سوریکوف در مراجعت از سیبری، که بر اثر مرگ زنش و بحران عمیق روحی متعاقب آن بدانجا سفر کرده بود، به موضوع اردو کشی‌های سووروف روی آورد. سرافرازی ملت روس با نام این سردار بزرگ بستگی دارد. پاکی اخلاقی، راسنی و درستی و سادگی و عشق بی پایان سووروف به میهن توجه نقاش را به خود جلب کرد. سوریکوف پرده «تبور سووروف از کوه های آلپ» را بوجود آورد. موضوع تصویر یکی از مشهورترین و قهرمانانه ترین مراحل پر افتخار تاریخ نظامی روسیه در آن زمان بود. نقاش در این پرده عبور سپاهیان سووروف را از گذار کوهستانی بر فراز پرتگاه ها و دره ها، از کوره راههای شکارچیان که هرگز لشکری از آنجا عبور نکرده نشان داده است. سووروف با انجام دادن چنین مانووری توانست پیروزی درخشانی در نبرد بدست آورد.

در سال ۱۹۰۶ سوریکوف پرده «استپان رازین» را تمام کرد. پس از آن هم یک رشته بکه صورتها و یک سلسله مناظر سیبری را کشید. هفت پرده نقاشی بزرگ که میراث سوریکوف است، گذشته از آن که بمنزله مراحل در گسترش و تکامل قدرت خلاقیت وی بشمار میآید، مراحل از زندگی شخصی او نیز هست. سوریکوف زندگی خارج از کار و خلاقیت هنری نداشت و همواره اندیشه ایجاد یک پرده بزرگ نقاشی که در هر مرحله از زمان بر همه افکار و احساسات و تأثرات او مستولی میگردد، خط مشی کار او را معین میکرد.

سرگذشت سالهای آخر عمر سوریکوف نموداری است از عالیترین اندیشه ها برای ایجاد پرده های بزرگ نقاشی درآینده. در سالهای پس از وقایع ۱۹۰۵، با وجود پیشنهاد های استادی در دانشکده هنر های زیبا، سوریکوف نخواست خود را پای بند فعالیت آموزشی بکند.

در ۱۹۱۰ سوریکوف سفری به اسپانیا کرد و در آنجا مشاهدات خود را از طبیعت و مردم و عادات آن کشور در طرح ها و آبرنگهای بیشمار منعکس کرد. در میان کارهای این دوره اوشاهکارهای تمام معنی کلام وجود دارد.

هیچیک از اندیشه های دوران آخر عمر سوریکوف روی پرده نقاشی تمام شده تجسم نیافت. سالهای آخر عمر نقاش در اوضاع دشوار و

پرتشویش ارتجاع سیاسی و غلبه جریان های نورمالیستی در هنر گذشت. آغاز جنگ جهانی سوریکوف را دچار اندوه و ناثر شدید کرد. بنیه قوی او روبه ضعف نهاد. غالباً پیمان میشد. مسافرت هائی را که قبلاً فقط برای کار و هنر خود میکرد، دیگر ناچار بود برای معالجه انجام دهد.

سوریکوف در ۱۹ مارس ۱۹۱۶ از تصلب سرخ رگهای قلب درگذشت. سوریکوف بزرگتر از یک استاد برجسته، بزرگتر از یک نقاش کولوریست است. او قبل از هر چیز هنرمندی متفکر و بلند قریحه است که توانسته است ملت، این آفریننده و قهرمان حقیقی تاریخ را، بطرزی عمیق درک کند و با نیروی خارق العاده محسم نماید.

سوریکوف قوی ترین جنبه های اسلاف خود، نقاشان ره آلیست روس را که عبارتست از دموکراتیسم، درستی، عمق آرمان و وقوف حیرت-انگیز به زندگی ملت در وجود خویش جمع نمود. ولی او نه در کمپوزیسیون نقاشی پیرو و مقلد آثار آنان بود، نه در فهم خصال و سجایا و نه در رنگ آمیزی، بلکه او حتی در میان بزرگترین نقاشان و استادان دارای سبک و شیوه و اصول خاص خود بود.

سنت سوریکوف مبنی بر درک تاریخ و نحوه منعکس نمودن آن در تصویرها بطرزی عمیق در تاریخ نقاشی نفوذ یافته است. نقاشان معاصر از آثار سوریکوف تعلیم میگیرند. نام سوریکوف یکی از مشهورترین و محبوبترین نامها در میان نمایندگان عالم مقام هنر روسی میباشد.



شعبه شگانه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی